

معیار فردیت جنین

محمد عباس زاده جهرمی^۱، لطف اله دژکام^۲

چکیده

مقدمه: یکی از سؤالات مطرح در رابطه با جنین و درمان‌های ناباروری سؤال از فردیت جنین و معیار انسان بودن آن است. تنقیح این موضوع، علاوه بر تعیین حکم سقط جنین و دیه مترتب بر آن، در خصوص انتخاب جنین (Selection) نیز راهگشا خواهد بود. جنین مراحل مختلفی چون زیگوت، مورولا، پیش‌رویای، رویان و... را پشت سر می‌گذارد، لذا لازم است تعیین شود که در کدام مرحله از مراحل فوق، می‌توان آن را فردی از افراد انسان محسوب و احکام انسان‌ها را بر آن مترتب کرد؟ تا قبل از آن مرحله، حفظ جنین و احترام آن لازم است یا نه؟

مواد و روش تحقیق: این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و تحلیلی صورت پذیرفته است. ابتدا معیارهای فردیت از منظر دانشمندان غرب مطرح، سپس از دیدگاه اسلام - فقه و حکمت - بررسی شده است.

بحث و یافته‌ها: دانشمندان غرب برای فردیت جنین معیارهای متفاوتی - چون لقاح، تشکیل جفت، فعالیت امواج مغزی، پائینی جنین و جدایی از مادر - مطرح کرده‌اند. تفاوت این معیارها، نشان از نبودن مبانی مورد قبول و معیاری مناسب در شناخت و معرفی مراحل وجودی انسان است. حکمت متعالیه ضمن تنقیح مبانی مورد نیاز برای معرفی انسان، مراحل مختلفی را که یک موجود برای انسان شدن پشت سر می‌گذارد، تبیین نموده است. انسان مراتب مختلف وجودی - چون صورت معدنی، حیات گیاهی، حیات حیوانی - را طی می‌کند تا انسان بالفعل شکل بگیرد. فقهای شیعه همگام با مبانی مطرح در حکمت متعالیه، دیه سقط جنین را در مراتب مختلف وجودی انسان تبیین نموده‌اند که بر طبق آن می‌توان به پاسخ سؤال این پژوهش پی برد.

نتایج: حفظ حرمت جنین و جلوگیری از سقط‌های بی‌مورد از یک سو و فاقد ویژگی‌های انسان بودن جنین از سوی دیگر باعث شده که دانشمندان آرای غیر قابل جمعی در خصوص معیار فردیت ارائه کنند. این مشکل در اسلام بوجود نیامده، چرا که فقه غنی آن از ابتدا معیاری دقیق ارائه کرده است. مقایسه بین جواب فقها و حکمت متعالیه بر هماهنگی این مکتب با فقه شیعه، صحه می‌گذارد. فقه در جواب به این سؤال به فلسفه نیاز ندارد و خود پاسخگوست، اما جوابی را که با روش خود بیان می‌کند، با جواب فلسفه ملاصدرا - با روشی دیگر - کاملاً هماهنگ است. برخلاف دانشمندان غرب که برای پاسخ به فرد بودن جنین دست به دامن فلسفه شده‌اند و فلسفه آن‌ها نیز از بیان جواب متقن عاجز بوده است.

واژگان کلیدی: رویان، جنین، انسان، حیات، نفس، حقوق

مقدمه

پیشرفت‌های چشم‌گیر علم پزشکی در چند دهه اخیر خصوصاً در زمینه تولید مثل انسانی و شبیه‌سازی باعث ایجاد دغدغه‌هایی فلسفی، اخلاقی و حقوقی در حوزه پزشکی شده است. از آنجا که در بعضی از این درمان‌ها تیم پزشکی می‌بایست به گزینش جنین (Selection) اقدام کند و این کار منجر به حذف تعدادی از رویان‌های تولید شده می‌گردد. پرسش‌هایی در این زمینه به وجود آمده است که پاسخ به آن‌ها از دیدگاه فلسفه و حقوق اسلامی ضروری است.

در این مقاله به دنبال پاسخی برای این پرسش هستیم، که «آیا رویان انسان یک فرد است؟» و «جنین در حال تکامل، از چه موقع دارای حق حیات است و در نتیجه حرمت، حقوق و احترام یک انسان را دارد؟ از اولین ساعات لقاح اسپرم و تخمک یا زمان به شکل انسان درآمدن و یا بعد از تولد؟»

گرچه تعیین زمان فردیت انسان سابقه ای بس طولانی دارد، اما به دنبال پیشرفت فن آوری‌های نوین تولید مثل و طرح سؤالاتی پیرامون آن، تعیین زمانی که جنین حقوق و حرمت یک انسان را پیدا می‌کند اهمیت بسزایی پیدا کرد؛

۱- استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه جهرم، صندوق پستی ۷۴۱۳۵-۱۱۱ جهرم، ایران

۲- دکتری کلام اسلامی، استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی جهرم. Email: m_abas12@yahoo.com

معیار فردیت جنین

چرا که قتل انسان نزد هر فرد صاحب اندیشه ای غیرمجاز و ناصحیح است. لذا لازم است روشن شود که سقط جنین از چه زمانی قتل نفس انسانی محسوب می شود. پاسخ به سؤال پژوهش از اواسط قرن بیستم به بعد در دادگاهها و مجامع حقوقی آمریکا و اروپا مد نظر قرار گرفته است. یکی از نتایج مهم این پژوهش، تعیین احکام حقوقی مترتب بر جنین است؛ سقط جنین در چه مرحله‌ای قتل عمد محسوب می‌شود؟ و آیا پیش رویان منجمد - هم چون دیگر افراد - حق حیات دارد؟ آیا فعل گزینش جنین باعث نقض حق حیات، از فرد یا افرادی نخواهد شد؟ اگر جواب مثبت است، ناقض کیست و برعهده او چه خواهد بود؟

پیش از ورود به بحث لازم است با مفاهیم رویان و جنین آشنا شویم:

در جنین شناسی به محصول ترکیب موفقیت آمیز اسپرم و تخمک، زیگوت^۱ - به معنای تخمک بارور - گویند. زیگوت شروع به تقسیم کرده، به دو، چهار، هشت سلول و بیشتر تقسیم می‌شود. زیگوت را در طی این مراحل «مورولا»^۲ و «بلاستولا»^۳ می‌نامند. معمولاً وقتی عمرش بین یک تا چهار هفته باشد، «پیش رویان»^۴ و بین چهار تا هشت هفته «رویان»^۵ می‌نامند. (موارد کلاسیک در اخلاق پزشکی، ج ۲، ص ۱۲۷)

اصطلاح جنین^۶ عنوان عامی است که از زمان آغاز حمل تا پایان آن و تولد طفل را شامل می‌شود. البته در تعیین زمان آغازین جنین اختلافاتی وجود دارد، برخی آن را هنگام تشکیل زیگوت و برخی دیگر هنگام استقرار آن در رحم و به اصطلاح لانه‌گزینی آن دانسته‌اند. (ر.ک: «وضعیت حقوقی کودک آزمایشگاهی»، روش‌های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق)

گرچه به نظر می‌رسد طبق دیدگاه مسلمانان جنین با استقرار در رحم محقق می‌شود، اما از آنجایی که عنوان عامی را که از زمان لقاح اسپرم و تخمک تا بعد از تولد و جدایی از مادر را شامل شود، نیافتیم، برای این نوشتار به ناچار عنوان جنین را انتخاب نمودیم.

فردیت جنین و معیار آن در غرب

تعیین معیاری برای زمان تحقق فردیت یک جنین،

- 1- Zygote
- 2- Morula
- 3- Blastula
- 4- Pre-Embryo
- 5- Embryo
- 6- Fetus

بخصوص در دادگاه - جهت رفع دعاوی سقط جنین - از دیرباز مورد توجه بوده است. در این خصوص معیارهای متفاوتی در میان اندیشمندان غرب مطرح شده که به برخی از آنها اشاره می‌نمائیم:

۱- **لحظه لقاح:** برخی فائلمند که از زمان تشکیل لقاح انسان، فرد انسان به وجود می‌آید. هنگامی که ژن‌های والدین با یک دیگر ترکیب شوند، یک شخص با ویژگی‌های منحصر بفرد بوجود می‌آید. این نظریه تحت عنوان دیدگاه ژنتیکی حیات شناخته می‌شود. (Medical Ethics, P۱۴۹) برطبق این نظریه، وسایل درون رحمی IUD که از جایگزینی زیگوت‌ها یا پیش رویان‌ها جلوگیری می‌کنند، وسایل قتل انسان‌ها محسوب می‌شوند و عمل کورتاژ معادل قتل یک انسان است.

مخالفان این نظریه، با نفی ویژگی‌های انسان - هم چون هوش، خودآگاهی و حتی شکل انسانی - از پیش رویان، آن را انسان بالقوه دانسته‌اند. در مقابل موافقان، به منظور مخالفت با سقط جنین بدین نظریه تن داده‌اند. اما با این حال، اگر هم حق زندگی برای پیش رویان، قائل باشیم، باز نمی‌توانیم کسی را که حق بر گردن اوست، مشخص نمائیم؛ کدام زن مؤظف است پیش رویان‌های منجمد را در رحم خود پرورش دهد؟ (موارد کلاسیک در اخلاق پزشکی، ج ۲، ص ۶۰)

۲- **پایائی:**^۷ برخی «پایائی» را نشانه توانایی بر زنده ماندن به عنوان یک انسان دانسته‌اند. دیوان عالی ایالت متحده در سال ۱۹۷۳ در خصوص پرونده روو علیه وید اعلام کرد، جنین زمانی قابلیت ادامه حیات دارد که توان بالقوه زندگی در خارج رحم مادر را - هرچند به کمک وسایل مصنوعی - داشته باشد که از آن تحت عنوان «پایایی» یاد می‌شود. این دیوان، آغاز زمان پایایی جنین را بین ۲۴ تا ۲۸ هفتگی - یعنی بین سه ماهه دوم و سوم حاملگی - تعیین نمود. (موارد کلاسیک در اخلاق پزشکی، ج ۲، ص ۱۳۷-۱۳۵)

این نظریه قابل دفاع نیست. معیار دقیقی برای تعیین فردیت انسان ارائه نمی‌کند، چرا که اولاً مفهوم پایایی مفهومی مبهم است و به صورت دقیق نمی‌توان زمان آن را تعیین کرد و چه بسا بتوان زمان آن را از آغاز تشکیل نطفه دانست. ثانیاً طبق نظر برخی متخصصین جنین را در ۱۲ هفتگی برای مدتی کمی می‌توان در خارج رحم زنده نگه‌داشت. ثالثاً این معیار ممکن است برای افراد مختلف، متفاوت باشد، برخی موارد حتی تا ۴۰ هفتگی نمی‌توانند زنده بمانند. لذا از همان زمان اشکال‌های مختلفی بر این معیار مطرح شده است. (موارد کلاسیک در

7- Viability

انتهای زندگی توجه داشت. تا چه موقع یک انسان، فردی زنده محسوب می‌شود؟ هر معیاری که رفع آن نشان پایان زندگی باشد، وجودش نشان از آغاز حیات است. نشانه مرگ یک انسان آن است که امواج مغزی وی فعال نباشد؛ پس معیار فرد بودن داشتن امواج مغزی فعال است. طبق نظر عصب شناسان در خصوص جنین تقریباً حدود پانزده روز پس از حاملگی، امواج مغزی جنین فعال می‌شود. این نظریه به دیدگاه عصب شناسانه حیات مشهور است. (Medical Ethics, P149)

بعدها این معیار هم مورد نقد قرار می‌گیرد و «برگشت ناپذیری حالت بیهوشی» جای خود را به «فعال بودن امواج مغزی» می‌دهد. طبق معیار جدید، انسان توان بالقوه برای زندگی عادی را از دست می‌دهد. اگر این معیار برای حیات فرد شناخته شود، جنین در آغاز راه - که این معیار را دارد - بایستی دارای حقوق کامل انسان‌ها باشد. (موارد کلاسیک در اخلاق پزشکی، ج ۲، ص ۱۵۳)

۶- زمان تشکیل جفت: رویان شناسان، آغاز حیات و فردیت یک انسان را به ایجاد جفت جنین دانسته‌اند. گرچه جفت در کنار جنین دو فرد^۳ شبیه به همنده، اما دو شخص^۴ متفاوت محسوب می‌شوند و روح و حیات به جنین تعلق می‌گیرد. معمولاً جفت پس از دوازده روز پس از لقاح بوجود می‌آید. البته دانشمندانی چون رن فری،^۵ گروستین^۶ تولید جفت را قبل از این زمان - قبل از پیش‌رویانی - دانسته‌اند و الهی‌دانانی چون فورد،^۷ شانون،^۸ ولتر^۹ و کورمیک^{۱۰} آن را پذیرفته‌اند. این نظریه به دیدگاه رویان شناسی حیات مشهور شده است. (Medical Ethics, P149)

هورستوس^{۱۱} می‌نویسد: «از هر یک این دیدگاهها نه تنها دفاع منطقی نشده است، بلکه هر یک دیگری را مورد نقد و اعتراض قرار داده است. هیچ یک در پاسخ به اینکه وضعیت اخلاقی جنین چیست؟ پاسخ مستدلی ارائه نکرده تا دیگران را قانع سازد.» (Rosalind Hursthouse, Reproduction and)

- 2- Producing twinning
- 3- Individuality
- 4- Personality
- 5- Renfree (1982)
- 6- Grobstein (1988)
- 7- Ford (1988)
- 8- Shannon (1990)
- 9- Wolter (1990)
- 10- McCormick (1991)
- 11- Rosalind Hursthouse

اخلاق پزشکی، ج ۲، ص ۱۵۱)

۳- زمان جدایی از مادر: طبق این معیار جنین تا هنگامی که در شکم مادر است، فرد انسان محسوب نمی‌شود و با جدا شدن از مادر، جنین به فرد تبدیل می‌شود. ایمونولوژیست‌ها، معیار فرد انسان بودن را ادراک تمایز بین خود و غیر خود دانسته و آن را حدود لحظه تولد بیان کرده‌اند. فیزیولوژیست‌ها پا را فراتر گذاشته و وابسته نبودن نوزاد در سیستم غذایی و تنفس به مادر، تکمیل فیزیولوژی بدن انسان را - بعد از قطع ناف - معیار گرفته‌اند. جاستیس بلکمن، وید کیس و... از قائلین به نظریه هستند، لذا در نوشته‌های خود آورده‌اند که «تیزی به تعیین زمان آغاز حیات نیست.» پس از طرح این نظریه در دادگاه عالی آمریکا، دانشمندان راه‌های مختلف از بین بردن جنین را پیشنهاد کردند. (Medical Ethics, P150)

طبق دیدگاه مایکل تولی^۱ و همفکرانش جنین هرچه باشد انسان نیست، بدین معنا که همانند یک کودک حق حیات را ندارد. (Rosalind Hursthouse, Reproduction and ethics, Routledge Encyclopedia of philosophy, P7419)

این معیار هم، حقوق حیاتی جنین را نفی کرده، بابتی برای تجویز بی‌مورد سقط جنین گشوده، لذا به شدت مورد نقد و انکار دینداران قرار گرفته است.

۴- برهان موارد بینابینی: طبق این نظریه، هیچ مرزی که عقلاً بتوانند جنین (انسان بالقوه) را از نوزاد (انسان بالفعل) جدا کند وجود ندارد؛ چرا که تکامل جنین، یک دست و تدریجی است و حالت جهش ناگهانی - به عنوان نقطه ممیز بین جنین و انسان - وجود ندارد. تعیین معیار و زمان خاص به عنوان نشانه و زمان تبدیل جنین به یک فرد انسانی صرفاً قراردادی است و تعیین معیار واقعی ممکن نیست؛ چرا که هر زمانی پیشنهاد شود، ویژگی‌های جنین همان ویژگی‌های هفته قبل خواهد بود، لذا این سؤال مطرح خواهد بود که: چرا هفته قبلش نه؟ و چرا یک نشانه دیگر نه؟ (موارد کلاسیک در اخلاق پزشکی، ج ۲، ص ۱۵۳)

این دیدگاه نیز از منظر منتقدانی مورد نقد قرار گرفته و آن را سفسطه‌ای مشتمل بر نوعی پارادوکس دانسته‌اند. به وضوح می‌دانیم که بین جنین هشت روزه و نوزاد هشت روزه تفاوت بسیار وجود دارد، حال که این تفاوت‌ها به صورت تدریجی حاصل شده است دلیل بر تفاوت نداشتن نیست. (همان)

۵- فعال بودن امواج مغزی: طبق این نظریه، برای تعیین معیار فرد بودن جنین لازم است به معیار فرد بودن در

1- Michael Tooley.

معیار فردیت جنین

(ethics, Routledge Encyclopedia of philosophy, P7419)

بنابراین ریشه سرگردانی و تعدد نظریات دانشمندان غرب در باب فردیت جنین را می‌توان در رفع تعارض بین حق حیات جنین، قباحت سقط آن و تعیین کسی که حق برعهده اوست، یافت.

فردیت جنین از دیدگاه حکمت متعالیه

طبق مبانی ملاصدرا، حیات انسانی امری ثابت و تغییرناپذیر نیست که در یک آن حاصل شود، بلکه جنین برای ناقل شدن به حیات انسانی مطلوب، مراحل و مراتب مختلفی را پشت سر می‌گذارد؛ حیات جنین در ابتدا در حد یک گیاه و شبیه آن است. با فراهم بودن شرائط، رشد کرده به حیات حیوانی و بالاتر از آن می‌تواند دست پیدا کند.

یکی از مبانی مهم فلسفی دخیل در این دیدگاه، حرکت جوهری است بدین معنا که شیء موجود، دائم در حال سیلان، تغییر و نوبه‌نو شدن است. شهید مطهری ره می‌فرماید:

«علاوه بر حرکات ظاهری و عرضی محسوس که بر سطح عالم حکمفرماست یک حرکت جوهری و عمقی و نامحسوس بر جوهر عالم حکمفرماست و آن حرکت است که اصل این حرکات‌های ظاهری و محسوس است؛ اگر ماده و صورتی آدر تکون روح و ارتباط روح با بدن [باید فرض کرد از طریق همین حرکت باید فرض کرد نه از طریق دیگر؛ پیدایش و تکون انواع جسمانی روی قانون حرکت است نه کون و فساد؛ نفس و روح هم به نوبه خود، محصول قانون حرکت است. مبدأ تکون نفس ماده جسمانی است. ماده این استعداد را دارد که در دامن خود موجودی بیرواند که با ماوراء طبیعت هم‌افق باشد. اساسا بین طبیعت و ماوراء طبیعت دیوار و حائلی وجود ندارد. هیچ مانعی نیست که یک موجود مادی در مراحل ترقی و تکامل خود تبدیل شود به موجود غیر مادی. ... رابطه روح و بدن از نوع رابطه یک بعد است با سایر ابعاد؛ یعنی ماده در سیر تحولی و تکاملی خود، علاوه بر سه بعد جسمانی - که از آن‌ها به «ابعاد ثلاثه مکانی» تعبیر می‌کنیم - و علاوه بر بعد زمانی - که مقدار حرکت ذاتی جوهری است - در جهت دیگر بسط می‌یابد؛ این جهت جدید مستقل از چهار جهت دیگر است که زمانی و مکانی می‌باشند و البته بعد نامیدن این جهت از طرف ما، نه به این معناست که واقعا از سنخ امتداد است و مانند سایر متمکم‌ها (اشیاء ذی‌مقدار) قابل تجزیه ذهنی است، بلکه ناظر به این است که ماده جهت تازه‌ای می‌یابد و در سوی دیگری بسط و گسترش پیدا می‌کند، در جهتی که به کلی خاصیت ماده بودن را از دست می‌دهد.» (مقالات فلسفی، ص ۱۸)

بنابراین حقیقت و ذات انسان - طبق حرکت جوهری -

اشتداد وجودی پیدا می‌کند تا بالاخره به مرحله‌ای می‌رسد که به بدن نیاز ندارد و خود می‌تواند قائم به ذات و بدون بدن، سیر خود را ادامه دهد، پس تعلق خود را از بدن قطع می‌کند که از آن به مرگ و انتقال به آخرت تعبیر می‌شود.

مراحل تکون و تکامل انسان را از منظر حکمت متعالیه و ملاصدرا می‌توان به ترتیب زیر دانست:

۱- اولین مرحله از حیات انسانی، را می‌توان صورت گیاهی دانست که از آن به نفس نباتی نیز تعبیر می‌کنند چراکه قوا و توانایی‌های بالفعل انسان در این مرتبه، در حد یک گیاه است. (العرشیه، ص ۳۳ و اسرار الآیات، ص ۱۳۵)

ملاصدرا می‌فرماید:

«درجه نفس آدمی، تا هنگامی که به صورت جنین در رحم مادر است، درجه نفوس نباتی به مراتب آن می‌باشد و این مرتبه زمانی حاصل می‌شود که طبیعت انسان از درجات قوای معدنی تجاوز کند، پس جنین انسان، گیاه بالفعل و حیوان بالقوه و نه بالفعل می‌باشد؛ چراکه حس و حرکت ندارد.» (الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه العقلیه، ج ۸، ص ۱۳۶)

اما تفاوت این حیات جنین انسان، با سایر گیاهان چیست؟ تفاوتش با سایر گیاهان در این است که این جنین، استعداد و توانایی به مراحل بالاتر رسیدن را دارد برخلاف نفوس گیاهان، که در همان حد گیاه، باقی می‌مانند. به عبارت دیگر جنین در این مرتبه حیوان بالقوه است که همین امر آن را نسبت به گیاهان، متفاوت قرار می‌دهد و معمولا کسی به آن گیاه نمی‌گوید.

۲- مرتبه بعدی آن، نفس حیوانی است که هنگام ولوج روح در بدن جنین، ابتدای تعلق این نفس به آن است.

ملاصدرا می‌نویسد: «هنگامی که طفل از شکم مادر خارج می‌شود، تا هنگام بلوغ، نفس او در درجه نفوس حیوانی می‌باشد و شخص در این زمان حیوان بالفعل و انسان بالقوه است.» (همان)

قرآن کریم نیز به طی اطوار وجودی و مراتب مختلف در خلقت انسان اشاره دارد: «شما را چه شده است که از شکوه خدا بیم ندارید؟ و حال آن که شما را مرحله به مرحله خلق کرده است.» (نوح/۱۳ و ۱۴)

البته در آیات متعدد دیگری جداگانه هر یک از این مراحل مختلف را بیان می‌کند که علاقمندان می‌توانند به کتب علمی در باب اعجاز قرآن مراجعه نمایند.

۳- انسان بعد از این مرتبه، اگر تا زمان چهل سالگی با اکتساب ملکات و اخلاق باطنی، رشد معنوی پیدا کرد به مرحله

به استناد روایت معتبره ظریف، ۱ (الکافی، ج ۷، ص ۳۴۳) مشهور فقها خلقت جنین و مراحل تکامل آن را چنین دانسته اند: (جواهر الکلام، ج ۴۳، ص ۳۵۶ و بحوث فقهیه هامه ص ۲۸۸)

۱- قبل از کامل شدن خلقت به شکل انسان.
۲- بعد از اتمام خلقت به صورت انسان و قبل از ولوج روح
۳- بعد از ولوج روح

جنین در مرحله اول - قبل از این که به شکل انسان درآید - مراتب مختلفی، چون نطفه، علقه، مضغه و استخوان را پشت سر می‌گذارد. اگر فردی جنین را در یکی از مراحل فوق از بین ببرد، معصیت کرده و بایستی دیه بپردازد. دیه اسقاط نطفه مستقر در رحم، بیست دینار - معادل دو درصد دیه یک فرد کامل - دیه اسقاط علقه چهل دینار، دیه اسقاط مضغه شصت دینار و بعد از آن که استخوان شکل گرفت، هشتاد دینار است. تا این مرحله جنین هنوز به شکل انسان در نیامده است. زیبایی این حکم آن است که چه در هزار سال پیش - که وسایل آزمایشگاهی کنونی وجود نداشت - و چه در حال حاضر با کمترین اطلاعاتی قابل اجراست. ضمن این که در برخی روایات، زمان هر یک از این مراحل نیز ذکر شده است. (وسائل الشیعه، ج ۲۹، ص ۳۱۲) علاوه بر این تکامل تدریجی جنین در نوع جرمی - دیه - از بین بردن جنین لحاظ شده است. پس از آن که استخوان تشکیل شود و جنین شکل انسان را به خود بگیرد تا قبل از ولوج روح - قسم دوم از اقسام سه گانه فوق - دیه اسقاط آن، صد دینار - ده درصد دیه فرد کامل - تعیین شده است.

پس از ولوج روح به جنین، دیه فرد کامل - هزار دینار - برای سقط آن تشریح شده است. در این حالت، علاوه بر دیه، کفاره و آن هم، کفاره قتل عمد بر جانی واجب است. بنابراین با ولوج روح، جنین فردی کامل چون دیگر انسان‌هاست و همه احکام آن‌ها را دارد. قبل از آن گرچه فرد بالفعل انسان نیست، اما به جهت قابلیت انسان شدن، نبایستی

انسان نفسانی بالفعل می‌رسد و در غیر این صورت در زمره شیاطین یا بهائم و حشرات قرار خواهد گرفت. (الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه العقلیه، ج ۸، ص ۱۳۶)

۴- انسان، بعد از این مرتبه با به کاربردن عقل نظری و عملی خود در مسیر صحیح، تا مرحله عقل بالفعل و عقل فعال می‌تواند صعود کند و درحقیقت ملکی از ملائکه گردد و برعکس با پیمودن راه ضلالت و گمراهی شیطانی از شیاطین و حیوانی از حیوانات تبدیل می‌شود. (همان، ص ۱۳۷)

برخی بزرگان (شرح الاشارات و التنبیها، ج ۲، ص ۳۰۵) مثال زیر را برای تبیین این مراتب مختلف نفس بیان کرده اند: هنگامی که زغالی در کنار آتش قرار می‌گیرد، ابتدا مواد سوختنی از آن آتش تأثیر می‌پذیرند، سپس زغال قرمز شده و خود حرارت پیدا می‌کند؛ کم کم این زغال هم شعله‌ور و شبیه به آتش مجاور خود می‌شود، نور و حرارت تولید می‌کند. طبق این مثال تأثیرپذیری ابتدایی مواد زغال از آتش را به افاضه نفس نباتی، تغییر رنگ و قرمز شدن آن را به افاضه نفس حیوانی و تولید نور و حرارت را به مرتبه بعدی آن و افاضه نفس انسانی تشبیه شده است. (شرح المنظومه، ج ۵، ص ۱۱۸) در تمامی این مراحل، یک حقیقت است که اشتداد پیدا می‌کند و به حیات مناسب خود نائل می‌شود.

به عبارت دیگر نفس، در طی حرکت جوهری این تطورات وجودی را به صورت لبس بعد از لبس (پوششی بر روی پوششی) نه به صورت خلع و لبس (کون و فساد) می‌پذیرد؛ یعنی جوهر انسان از آغاز تا انجام دارای یک وجود است که صورت آن سیلان و تغییر دارد، نه این که صورتی را از دست بدهد و صورت جدید جایگزین آن بشود. به عبارت دیگر تغییرات نفس تدریجی است و مرحله به مرحله، نه دفعی و ناگهانی.

بنابراین، فرد بالفعل پس از تعلق نفس به بدن شکل می‌گیرد و قبل از آن، انسانی بالقوه است و توانایی آن را دارد که با فراهم شدن شرائط، به انسان بالفعل تبدیل می‌شود. بنابراین گرچه ملاک فردیت، تعلق روح به بدن است اما جنین از قبل هم احترام و حرمت دارد.

فردیت جنین از دیدگاه فقه

الف - فقهای شیعه: مسأله فردیت جنین به خوبی در فقه شیعه قابل تبیین است، به طوری که ضمن حفظ احترام آن، سقط آن قبیح شمرده شود و هم با توجه به بالقوه بودن حیات انسانی جنین، تفاوت آن با انسان بالفعل ملاحظه شود. قبل از تبیین این دیدگاه به مراحل مختلف تکامل جنین توجه می‌کنیم:

۱- «عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ جَعَلَ دِيَةَ الْجَنِينِ مِائَةَ دِينَارٍ وَ جَعَلَ مَنِيَّ الرَّجُلِ إِلَى أَنْ يَكُونَ جَنِينًا خَمْسَةَ أَجْزَاءٍ فَإِذَا كَانَ جَنِينًا قَبْلَ أَنْ تَلْجَهُ الرُّوحُ مِائَةَ دِينَارٍ وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ سِلَالَةٍ وَ هِيَ النَّطْفَةُ فَبِذَا جَزءٌ ثُمَّ عَلَقَهُ فَهوَ جَزءٌ - ثُمَّ مُضَغَةٌ فَهوَ ثَلَاثَةُ أَجْزَاءٍ ثُمَّ عَظْمًا فَهوَ أَرْبَعَةُ أَجْزَاءٍ ثُمَّ يَكْسَى لِحْمًا فَحِينَئِذٍ تَمَّ جَنِينًا فَكَمَلَتْ لَهُ خَمْسَةُ أَجْزَاءٍ مِائَةَ دِينَارٍ وَ الْمِائَةُ دِينَارٍ خَمْسَةُ أَجْزَاءٍ فَجَعَلَ لِلنَّطْفَةِ حُمُسَ الْمِائَةِ عَشْرِينَ دِينَارًا وَ لِلعَلَقَةِ حُمُسِي الْمِائَةِ أَرْبَعِينَ دِينَارًا وَ لِلْمُضَغَةِ ثَلَاثَةَ أَمْحَاسِ الْمِائَةِ سِتِينَ دِينَارًا وَ لِلعَظْمِ أَرْبَعَةَ أَمْحَاسِ الْمِائَةِ ثَمَانِينَ دِينَارًا فَإِذَا كَسَى اللَّحْمَ كَانَتْ لَهُ مِائَةُ دِينَارٍ كَامِلَةً فَإِذَا نَشَأَ فِيهِ خَلْقٌ آخَرَ وَ هُوَ الرُّوحُ فَهوَ حِينَئِذٍ نَفْسٌ فِيهِ أَلْفٌ دِينَارٍ دِيَةٌ كَامِلَةٌ إِنْ كَانَ ذَكَرًا وَ إِنْ كَانَ أُنْثَى فَخَمْسِمِائَةَ دِينَارٍ وَ ...»

معیار فردیت جنین

بدون عذر مقبول آن را از بین برد و در صورت از بین بردن آن، جریمه‌ای متناسب با تکامل آن تعلق می‌گیرد.

ب - فقهای اهل سنت: اهل سنت کمتر به مراتب مختلف جنین در تعیین دیه سقط آن اشاره کرده‌اند. مالکیه و شافعیه برای جنینی که به همراه مادرش کشته شود، دیه‌ای جداگانه قائل نشده‌اند و به صرف دیه مادر بسنده کرده‌اند. (القوانین الفقهیه، ج ۱، ص ۲۲۸) لذا یکی از شرائط تعلق دیه به جنین سقط شده این است که مادرش در اثر ضربه‌ای که جنین سقط شده، سالم بماند، دلیل این فتوا را روایتی از ابوهریره نقل کرده‌اند. (بدایه المجتهد و نهایه المقصد، ج ۱، ص ۷۳۲) آنان میزان دیه جنین را ۵ درصد (نصف عُشر) دیه مادر - که معادل پنجاه دینار یا پانصد درهم نزد ابوحنیفه و ششصد درهم نزد جمهور است - تعیین کرده‌اند. (المهذب، ج ۲، ص ۱۹۸ و المغنی، ج ۹، ص ۵۳۶)

مالکی‌ها، اولین مرحله تعلق دیه را علقه، دانسته‌اند برخلاف شافعی و حنبلی که دیه را برای علقه نفی کرده و از مضغه، قائل به دیه شده‌اند. حنفی‌ها زمان تعلق دیه را پس از این و هنگام آشکار شدن مو یا ناخن بیان کرده‌اند. (الفقه الاسلامی و ادلته، ص ۶۷۵-۶۷۸)

نتیجه‌گیری

خاستگاه سؤال از فرد بودن جنین در غرب بوده، چراکه از منابع وحیانی کامل برای رفع مشکلات خود، محرومند. این سؤال در بین مسلمانان کمتر مورد توجه بوده؛ چرا که از منظر آنان - طبق منابع دینی - این امر مسلم بوده که آغاز حیات انسانی به تعلق روح به بدن خواهد بود.

دانشمندان غرب برای فردیت جنین معیارهای متفاوتی - چون لقاح، تشکیل جفت، فعالیت امواج مغزی، پیاپی جنین و جدایی از مادر - مطرح کرده‌اند. حفظ حرمت جنین و جلوگیری از سقط‌های بی‌مورد از یک سو و نداشتن ویژگی‌های انسانی جنین از سوی دیگر دانشمندان را به این آرای بسیار متفاوت کشانده است. این مشکل در اسلام بوجود نیامده، چرا که فقه غنی آن از ابتدا راه ایجاد این مشکل را مسدود کرده است.

مقایسه بین جواب فقها و حکمت متعالیه بر هماهنگی این مکتب با فقه شیعه، صحه می‌گذارد. فقه در جواب به این سؤال به فلسفه نیاز ندارد و خود پاسخگوست، اما جوابی را که با روش خود بیان می‌کند، با جواب فلسفه ملاصدرا - با روشی دیگر - کاملاً هماهنگ است. برخلاف دانشمندان غرب که برای پاسخ به فرد بودن جنین دست به دامن فلسفه شده‌اند (موارد

کلاسیک در اخلاق پزشکی، ج ۲، ص ۶۰) و فلسفه آن‌ها نیز از بیان جواب متقن عاجز بوده است.

منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. ابن براج طرابلسی، عبدالعزیز، المذهب، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۶ قریال چاپ اول
۳. ابن سینا حسین، شرح الاشارات و التنبیها، ج ۲، شارح: خواجه نصیرالدین طوسی، قم: نشر البلاغه، ۱۳۷۵ چاپ اول.
۴. زحیلی، وهبه، الفقه الاسلامی و ادلته الشامل للادله الشرعیه و الآراء المذهبیه و اهم النظریات الفقهیه و تحقیق الاحادیث النبویه و تخریجها، تهران: نشر احسان، ۱۳۸۵.
۵. حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق
۶. سبزواری، ملاهادی، شرح المنظومه، ج ۵، تصحیح و تعلیق: حسن زاده آملی، تهران: نشر ناب، ۱۴۲۲ ق، چاپ اول.
۷. شهیدی، مهدی، «وضعیت حقوقی کودک آزمایشگاهی»، روش‌های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق، تهران: سمت، ۱۳۸۰، چاپ اول.
۸. صدر المتألهین محمد (ملاصدرا)، العرشیه، تهران: انتشارات مولی، بی‌تا.
۹. صدر المتألهین محمد (ملاصدرا)، اسرار الآیات، تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۶۰
۱۰. صدر المتألهین، محمد شیرازی (ملاصدرا)، الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، ج ۸، قم: مکتبه المصطفوی، ۱۳۶۸.
۱۱. کرگوری، ای پنس، موارد کلاسیک در اخلاق پزشکی، ترجمه: پژمان حبیبی، تهران: وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، ۱۳۷۲.
۱۲. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۱۳. مطهری، مرتضی، مقالات فلسفی، قم: انتشارات صدرا، ۱۳۷۸، چاپ هشتم.
۱۴. نجفی، محمدبن حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، مصحح عباس قوچانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، بحوث فقهیه هامه، قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب (ع)، ۱۴۲۲ ق، چاپ اول.
- 16- Brad Harrub, The christian and medical ethics apologetics, third edition/ 2004.
- 17- Rosalind Hursthouse, Reproduction and ethics, Routledge Encyclopedia of philosophy, version 1.0, London and New York: Routledge (1998), P7419-7422.

The Criterion of the fetus's individuality

Mohammad AbbaszadehJahromi, ph.D.¹, LotfollahDezhkam, ph.D.²

Abstract:

Introduction: One of the questions, Related to Fetus and barrenness curement, is about the criteria of being a human and Fetus as a single sole. Clarification of this subject, besides the determination of a verdict for abortion and its blood money, will be helpful in the discussion of fetus selection. The Fetus undergoes stages such as Zigoot, morulla, pre-fetus, and Fetus. So it is vital to determine in which of these stages, it can be considered a mean of single sole and a proper verdict will be driven from it. Again, before that stage, is it imperative to respect the fetus and to protect it.

Materials and method: This research is analytic and library-oriented. At first we have discussed the criteria of a single sole from western's points of view. Then we did the same regarding Islamic Jurisprudent and theology.

Discussion and Finding: Western thinkers-to consider Fetus a single sole-have suggested various criteria such Fecundation, placenta, the brain waves reflection, Fetus durability, and its birth. So, great diversities in their criteria tell us they don't have any acceptable criteria to determine what human really is. Rather, Divine theology, besides clarifying necessary principles to identify human being, has determined the stages that a being passes to become a man. He undergoes various stages such as: minerals, plant life, animal life, till involves into an actual man. Based on these foundations, in theology, Shiite; jurisprudents have determined the verdicts of abortion in any above named stages.

Conclusion: To respect Fetus and to protect unnecessary abortion on a hand, and its lack of human characteristics, on the hand, has led to diversal opinions, among western thinkers, of what a single sole is. Islam has not faced this problem since its perfect Jurisprudence has primarily introduced a very exact criterion. The comparison between what the Jurisprudents say and what Divine theology claims, indicates the harmony between Shiite Jurisprudents and this school of thought. Jurisprudent doesn't need to rely on philosophy to solve this problem. It is responsive by itself. However, its answer is in the agreement with that of Mulla Sadra; of course, each follows its own method. Rather, western thinkers, to find a solution to the question of "fetus as a single sole", have clung to philosophy but philosophy is not capable of providing an accurate answer.

Key words: Fetus, Man, Life, self

1- Assistant professor, Department of Literature and Humanities , Jahrom Universtiy, PO BOX 74135-111, Jahrom, Iran

2- Assistant professor, School of Medicine, Jahrom University of Medical Sciences, Jahrom, Iran.